

توصیه های آیت الله بهاء الدینی (ره)

تفکر و روشنایی باطنی...



تفکر و روشنایی باطنی

« در وجود انسان یک منبع سرشار از نور و علم و معرفت است که دسترسی به آن ممکن نیست؛ مگر با ریاضاتی مشروع که مهمترین آنها پرهیز از گناه و لقمه حرام است. این صفت نیکو در صورتی برای انسان پدید می آید که دوره ای پی در پی و متوالی از تفکر در زمینه ای گوناگون را بگذرانند.

آن گاه است که چشم انسان به آن سرچشمه باز می شود و قلب آدمی نورانی می گردد. پس از رسیدن به مرتبه تفکر، عالم هستی، کتاب درسی انسان می شود. با مطالعه بیشتر و دقت فراوانتر، نورافشانی زیادتر می شود. تا این که پس از چندین سال، بینایی چشم، روشنایی دل و نورانیت درونی، نصیب آدمی می شود.

و در پی آن است که همه معارف اسلام را آن طور که هست، درمی یابد و «وجدان» می کند. آنچه حق است می یابد و طهارت درون و باطن همراه او می شود. فکر جریان یافته، محصولات ارزنده ای به عالم وجود تقدیم می کند. بسیاری از ابتکارات، خلاقیتها و نوآوری ها در پی این حالت نصیب انسان می گردد. »

ایشان می فرمودند :

« بنده چهار سال مدام مشغول تفکر بودم؛ تا این که دریچه ای به رویم باز شد و در موضوعی ده سال به فکر و تعمق اشتغال داشتم و سرانجام به نتیجه رسیدم. اگر تفکر در زندگی انسان باشد، عبادات انسان عمق بیشتری می یابد و حال معنوی بهتری خواهد داشت.

فکر است که بیداری صبحگاهی آدمی را عظمت می بخشد و به تهجد و عبادات او بها می دهد. باید قبل از اذان صبح بیدار شویم و مدتی فکر کنیم، تا آثار معجزه آسای تفکر را دریابیم. اگر جای خلوت و مکانی مقدس را انتخاب کنیم، برکات بیشتری خواهد داشت. بنده اغلب جاهایی که می خواستم بروم پیاده می رفتم و راههای خلوت را انتخاب می کردم، تا بتوانم بهتر و بیشتر به فکر خود ادامه دهم.

گاهی مسیری سی کیلومتر بود، اما خسته نمی شدم؛ زیرا همیشه مشغول به تفکر و تعمق بودم. بارها پیاده به مسجد جمکران می رفتم، تا بهتر بتوانم چیزهایی را به دست آورم و فکر کنم. باید بدانیم که فکور بودن، نقش ارزشمندی در رسیدن به مقامات معنوی دارد. بسیاری از معضلات فکری و مشکلات علمی انسان حل می شود، مسائلی همچون حاکمیت خدای متعال بر هستی، مقام و ارزش معصومین علیهم السلام و نقش آنان در جهان و عالم تکوین، عظمت قدرت الهی و ضعف خرد بشری و قدرتهای ظاهری در مقابل پرودگار متعال و ... ».

عقل، محبوبترین موجود

« حکومت عقل، مشکلات اجتماعی را حل می کند؛ چون حکومت عقل همان حکومت الهیه و اجرای دستورهای خداوند است. لذا در ظهور حضرت ولی الله الاعظم - سلام الله علیه- عقلا کامل می شوند. رجل الهی به نورانیت عقل، ملحدین، کفار و منافقین را می شناسد. این تمیز، با نورانیت عاقله حاصل می شود.

عقل نور دارد، نه نار. عقل به تمامی رحمت و برکت است. ولی افسوس که آدمی خودش با پیروی از هوا و هوس، عقل، این بزرگترین نعمت الهی، را می کشد و ناریت نفس را به نورانیت عقل غلبه می دهد. اطاعت شیطان و غفلت از یاد حق موجب از بین رفتن نور عقل می شود.

اگر انسان به وسوسه ها و تحریکات شیطان و نفس گوش ندهد، این می شود حکومت عقل و مغلوب ساختن هوا و هوس. به وسیله این نعمت الهی است که انسان برای خویش بهشت می سازد و در برابر، نفس مهندس دوزخ است.

در حدیث آمده است که: خداوند عزیز، موجودی را محبوبتر از عقل خلق نفرموده است. اگر انسان بندگی خدا کند و به عبودیت حق گردن نهد، عاقل می شود و تحت ولایت الهی در می آید. انبیاء و اولیاء علیهم السلام زیرک بودند؛ چون عاقل بودند و در این نشئه به معاصی آلوده نگشتند. حرکات الهی و عقلانی، دارای قدرتی است که جواب وسوسه های نفس را می دهد. انسان به احوال خود بصیر و آگاه است و خوب می داند که اسیر و بنده نفس نیست؛ بنده خداست، و این نیز از برکت عقل است.

کسی که رئیس و بزرگ خانه است، اگر خود را تطهیر کند و به ملکات و حرکات الهی آراسته گردد. تمام اهل منزل تطهیر می شوند؛ و این بهترین روش است. انبیاء و اولیاء علیهم السلام چنین بودند که اول خود عمل می کردند آن گاه به دیگران می آموختند.

اگر انسانها با تعالیم نورانی اسلام آشنا شوند و به آنها عمل کنند دنیا را به بهشت تبدیل می کنند و بهشت آخرت را نیز برای خود محفوظ می دارند. انبیاء و اولیاء علیهم السلام در همین دنیا رشد کردند و به مناصب عالی الهی و مقامات ارجمند معنوی نایل گشتند.

در مقابل نورانیت علم و عقل، جهالت بدترین مصائب و شکنجه هاست. کسی که از نورانیت عقل محروم است، دنیا برای او جهنم است. معصیت خدا انسان را از مقام انسانیت تنزل می دهد و از تقوا و ولایت نیز محروم می گردد.

حقیقت استغفار که در راه انسان شدن به کار می رود، عبارت است از بازگشت به خدا؛ و توبه، تحولی است که در انسان عاقل به وجود می آید و تلاطم درونی پیدا می کند. «

نفس اماره، مزاحم قوه عاقله انسان

« باید عاقله را به کار انداخت و مزاحم آن را از میان برداشت. مزاحم عاقله نفس اماره است. هر اندازه انسان این نفس را تزکیه و تهذیب کند آن را از قدرت سبعی بیندازد و تضعیفش کند حکومت و حاکمیت عقل تقویت می شود. ولی ما بین عقل و نفس فرقی نمی گذاریم.

می گوید: ما دلمان می خواهد این جور کنیم. غلط می کند دلت بخواهد هر کاری بکند. اگر دلت می خواهد به جهنم بروی برو هنیئاً لک. این بساطی که می بینی آثار هوی و هوس شرق و غرب است. آثار هوی و هوس بشر است. افتخار می کنند که ما قدرت داریم همه کره زمین را آتش بزنیم. اگر قدرت رحمت داشتید خوب بود. جهان را بهشت می کردید.

اینکه در اسلام این قدر روی علم تاکید شده است و فرموده اند: عالم و آگاه و نورانی شوید، برای این است که آثار علم و نور همه رحمت است. «

در روایت آمده است:

« اول ما خلق الله العقل: اولین مخلوق الهی عقل است. «

منبع: جهان